

Research Article

Methods of Engineering Culture of Prayer in Islamic Society Based on Revelation Exegesis¹

Saede Aghaei Aghdam

Master's degree, Quranic Sciences, University of Sciences and Education of the Holy Quran, Qom, Iran (**Corresponding author**). aghdamaghaie.s@gmail.com

Mohammad Sobhani Yamchi

Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Tafsir, University of Sciences and Education of the Holy Quran, Qom, Iran. sobhani@quran.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review methods of engineering culture of prayer in Islamic society based on revelation exegesis. The research method is descriptive-analytic and it has regarded the context and condition of revelation of verses and chapters of the Noble Qur'an and has also dealt with the most important strategies proposed by the *Noble Qur'an* to institutionalize the culture of prayer during the age of revelation. The results showed that God has initially started with introducing models, then he has raised people's awareness by encouragement, discouragement, reverence, and storytelling. In the next stage, giving proposals, paving the ground, gradual gradation, perseverance, preservation, and so on are conducted. Of course, these methods can be adopted in rotation with any of the methods in the verses of the *Noble Qur'an* in appropriate conditions. From the first verses about the discussion of prayer in the *Qur'an* to the last chapters revealed in Medina, these methods have ever been visible in different ways (as it is noticeable in the review of verses). Furthermore, by consolidating commands in terms of prayer and institutionalizing its culture, we can make all cultural institutions in society achieve the most beautiful symbols and remove all ugly images from the realm of culture in human society without any historical limitation and with permanent and sustainable efficiency to pave the ground for improvement and passing the path of perfection.

Keywords: *Noble Qur'an*, Engineering Culture of Prayer, Revelation Exegesis, Modeling.

1. Cite: Aghaei Aghdam, S. & Sobhani Yamchi, M. (2023). Methods of Engineering Culture of Prayer in Islamic Society Based on Revelation Exegesis. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(1), P.93-114. DOI: 10.22034/riet.2023.13899.1174

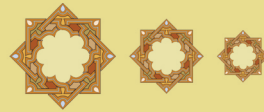
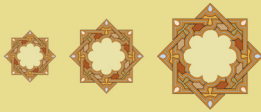
Received: 2022/12/30; **Received in revised form:** 2023/01/31; **Accepted:** 2023/03/05; **Published online:** 2023/03/25

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





شیوه‌های مهندسی فرهنگ نماز در جامعه اسلامی براساس تفسیر تنزیلی^۱

سعیده آقایی اقدم

کارشناسی ارشد، علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
aghdamaghaie.s@gmail.com

محمد سبحانی یامچی

دانشیار، گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. sobhani@quran.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شیوه‌های مهندسی فرهنگ نماز در جامعه اسلامی براساس تفسیر تنزیلی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده، و ضمن توجه به فضا و جو نزول آیات و سوره‌های قرآن کریم، به تبیین مهم‌ترین راهکارهای قرآن برای نهادینه کردن فرهنگ نماز در عصر نزول پرداخته است. نتایج نشان داد که خداوند ابتدا به اسوه‌مداری و معرفی اسوه پرداخته، سپس با تبشیر، انذار، تکریم و داستان‌سرایی، به بصیرت‌افزایی نسبت به نماز و اصلاح نگرش افراد می‌پردازد و در گام‌های بعدی، فریضه‌سازی، زمینه‌سازی، تدریج و تدرج، مداومت و محافظت و... انجام می‌شود. البته این روش‌ها به صورت دورانی و چرخشی در موقعیت‌های مناسب، با هر روشی از آیات قرآن کریم قابل اتخاذ است؛ به طوری که از اولین سوره‌هایی که بحث نماز در آنها قرار دارد تا آخرین سوره نازل شده در مدینه، این روش‌ها پیوسته به صورت‌های گوناگون (چنانکه در بررسی آیات مشهود است) قابل مشاهده می‌باشد. همچنین با تثبیت فرامین پیرامون نماز و نهادینه کردن فرهنگ آن، می‌توان همه نهاد‌های فرهنگی جامعه را در ابعاد مختلف به زیباترین نمادها رساند و نمودهای زشت را از ساحت فرهنگ جامعه بشری بدون محدودیت تاریخی، با کارآمدی همیشگی و پایدار زداپید و زمینه‌های ترقی و پیمودن مسیر کمال را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مهندسی فرهنگ نماز، تفسیر تنزیلی، اسوه‌سازی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «مهندسی فرهنگ‌سازی نماز در تفسیر تنزیلی»، دانشجو: سعیده آقایی اقدم، استاد راهنما: محمد سبحانی یامچی، ارائه شده در دانشکده علوم قرآنی مراغه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، سال ۱۳۹۴ است.
استاد به این مقاله: آقایی اقدم، سعیده؛ سبحانی یامچی، محمد (۱۴۰۲). شیوه‌های مهندسی فرهنگ نماز در جامعه اسلامی براساس تفسیر تنزیلی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۱)، ص ۹۳-۱۱۴. DOI: 10.22034/riet.2023.13899.1174
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵
ناشر: دانشگاه فرهنگیان



۱. مقدمه

معرفی نماز به عنوان ستون دین حاکمی از اهمیت آن بوده که مورد تاکید قرآن و روایات قرار گرفته است. به همین دلیل کتاب مقدس اسلام از همان ابتدای نزول همواره سفارش به برپایی آن کرده و از روش‌های گوناگون برای نهادینه کردن این مهم مدد جسته است. تفسیر تنزیلی یکی از بهترین راه‌ها برای دستیابی به این روش‌ها است. از این رو پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی ترتیب نزول سوره و آیات بتواند روش‌هایی را که خداوند باری تعالی برای تربیت مردم عصر نزول، در شرایط متفاوت و به صورت مرحله‌ای به کار گرفته است را تبیین کند.

بنابراین، سوالات پژوهش به شرح زیر است:

(۱) آیا قرآن فرهنگ‌سازی نماز را با آغاز نزول قرآن مطرح کرد؟

(۲) قرآن برای نهادینه کردن فرهنگ اقامه نماز از چه روش‌هایی استفاده کرده است؟

(۳) در دوران قبل از هجرت، بیشتر بر چه اصولی پای فشاری می‌شده است؟

(۴) روش‌های قرآن به چه صورتی برای نهادینه‌سازی فرهنگ نماز مورد استفاده قرار گرفتند؟

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و روش‌هایی چون اسوه‌سازی و معرفی اسوه، اعطای بینش و اصلاح نگرش، زمینه‌سازی، فریضه‌سازی، تدریج و تدرج و اصل استمرار و مداومت را از آیاتی که به بحث نماز پرداخته‌اند، استنباط نموده تا با تأسی جستن از این روش‌ها و نهادینه کردن فرهنگ نماز در نسل‌های جوان، بتوان مسیر جامعه را برای پیمودن کمالات انسانی هموار کرد.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. فرهنگ

«فرهنگ» در زبان فارسی از پیشوند «فر»+ «هنگ» از ریشه «ثنگ» بوده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲)، و از لحاظ لغوی در معانی زیر به کار رفته است: علم و دانش (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۳۸)، ادب و تربیت (عمید، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۳۷)، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۳۸)، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت (عمید، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۳۷). از جنبه اصطلاحی، برای فرهنگ تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است، بواس (مردم‌شناس و جغرافیدان) می‌گوید: فرهنگ عبارت است از: «تمامی عادت‌های اجتماعی موجود در یک جامعه و واکنش‌های فرد و گروهی که در آن زندگی می‌کنند» (حسینی پور سی سخت، ۱۳۹۰، ص ۳۸). برخی دیگر آن را «مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی جامعه» دانسته‌اند و عده‌ای در تعریف آن

آورده‌اند: «انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آنها، فرهنگ را تشکیل می‌دهند». بنابراین، جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین سطح ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه، آنها را یاد می‌گیرد و لذا اکتسابی است (بهروان، ۱۳۷۹، ص ۵۳۸).

۲-۲. مهندسی فرهنگ

مهندسی فرهنگ، شناخت منظومه باورها، ارزش‌ها و رفتارهای موجود در عرصه فرهنگ می‌باشد تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارض‌ها، انحطاط‌ها، انتقادات و قوت‌ها شناخته شود و مبتنی بر فرهنگ آرمانی به دست آمده از کتاب و سنت بتوان فرهنگ هدف (فرهنگ قابل وصول) را شناسایی نمود و در هر مرحله، تکامل فرهنگی فرهنگ هدف را، به فرهنگ آرمانی نزدیک نمود. بنابراین، یک فرهنگ آرمانی وجود دارد که از کتاب و سنت اخذ می‌شود و یک فرهنگ مطلوب، یعنی هدف، یا فرهنگ قابل وصول که نقش میانی دارد و باید متناسب با شرایط تبیین شود. مهندسی فرهنگی برای دستیابی به اهداف میانی باید اتفاق بیفتد و البته این اهداف میانی باید در مسیر خود و در هر مرحله به هدف آرمانی نزدیک‌تر شود (پیروزمند، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). مهندسی فرهنگ عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ و در نهایت نظریه‌پردازی.

۲-۳. تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)

ترتیب و شکل فرود آمدن یکصد و چهارده سوره، نظام ویژه‌ای به قرآن داده است، که از آن به ترتیب نزول طبیعی (تدریجی) سوره‌ها یاد می‌شود. توجه به این شکل نزول سور و آیات موجب ظهور یکی دیگر از سبک‌های تفسیری به نام تفسیر تنزیلی شده است. مفسر در این سبک، فهم خود را بر همراهی با پدیده وحی تدریجی قرآن قرار می‌دهد و می‌کوشد سیاق آیات را در یک سوره با توجه به زمان و شرایط محیطی و اجتماعی نزول هر سوره یا مجموعه آیات نازل شده، بفهمد و آنگاه به کشف روابط و نظام معرفتی و هدایتی سوره‌ها در طول بیست و سه سال پردازد (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۶). در این نوشتار منظور از واژه تفسیر تنزیلی، به طور مطلق تفسیر تنزیلی سوره‌ها است.

۲-۴. نماز (صلوة)

نماز در عرف مردم، عبادت مخصوصی است که بشر در برابر پروردگار خود انجام می‌دهد. از آنجایی که بحث فعلی نماز با محوریت آیات قرآن مورد تحلیل قرار می‌گیرد، لازم است تا واژه‌های مرتبط با نماز در قرآن تبیین شوند. نماز در قرآن اغلب با واژه «صلوة» از ریشه «ص ل و»، یا سایر

مشتقات این واژه از جمله المصلین، فصل، فلیصلوا و... به کار رفته است. برخی نیز اصل صلاة را به معنای دعا می‌دانند. همان‌گونه که می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه، ۱۰۳). صلاة خداوند بر رسولش رحمت و حسن ثنای اوست و صلاة ملائکه دعا و استغفار است. به دلیل دعا و استغفار، نماز اصطلاحی را «صلاة» می‌گویند.

نکته قابل تأمل این است که مراد از «صلاة» در همه مواردی که در قرآن به کار رفته، نماز اصطلاحی نیست، بلکه گاهی به معنای دیگری نیز استفاده شده است، مانند صلوات در آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ» (حج، ۴۰) که به معنای کنیسه یهودیان است. همچنین نماز در همه جای قرآن با واژه صلاة تعبیر نشده، بلکه برخی واژگان دیگر در تفاسیر به نماز معنا شده‌اند مانند «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء، ۷۹) که به نماز شب تفسیر شده؛ یا عبارت «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (فرقان، ۶۴) که به معنای نماز در شب می‌باشد. نگرش کلی به آیات قرآن کریم که درباره نماز بحث می‌کنند (چه آیاتی که با واژه نماز یا صلاة به مسأله پرداخته‌اند و چه آیاتی که به طور ضمنی به نماز اشاره می‌کنند)، بیانگر نهایت اهمیت نماز در زندگی روزمره مسلمانان است.

۳. مهندسی فرهنگی نماز

بررسی آیات نماز به ترتیب نزول نشان می‌دهد که در عصر نزول، فرهنگ نماز در یک فرآیند چند مرحله‌ای انجام گرفته که این روش‌ها به صورت دورانی و چرخشی در موقعیت‌های مناسب با هر روش مطرح شده است. لذا، ترتیب چینش گام‌های زیر به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

۳-۱. اسوه‌مداری و اسوه‌سازی

اسوه و اسوه عبارت است از حالتی که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶). در روش اسوه‌سازی و اسوه‌مداری، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد، و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند، تا او به پیروی پردازد، تا حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. این حالت متری، اسوه نام دارد و در گرو پیروی از عمل مزبور است و در این صورت، می‌توان گفت که در این عمل، اسوه خوبی برای فرد وجود دارد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۴).

در آیات قرآن ابتدا سخن از نماز رهبر و مربی جامعه است که در آغاز نزول قرآن خداوند از نماز

پیامبر یاد نموده «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق، ۹) و آن را به عنوان اسوه بر همگان معرفی کرده است. در سوره‌های بعدی برخی موارد دیگر را به پیامبر (ص) سفارش کرده است، از قبیل، نماز شب (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۹۹)، «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً» (مزل، ۶)، ولی در بیستمین آیه همین سوره، به ایشان و همراهانشان تخفیف داده و به هر مقدار شب زنده‌داری، که بر ایشان میسر است، بسنده کرده و تکلیف را در حد وسعشان قرار داده است «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ...» (مزل، ۲۰). لازمه این تخفیف توسعه یافتن تکلیف برای عموم مکلفین، و برخورداری همه از نعمت شب‌زنده‌داری است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۱۷). نکته حائز اهمیت این است که در آیه تعبیر به «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»، به جای «صَلُّوا»، یعنی تعبیر «نماز را برپا دارید»، به جای «نماز بگزارید»، ممکن است اشاره‌ای به برپا داشتن و احیای نماز در جامعه و به‌جا آوردن حق نماز از طریق رعایت شرایط ظاهری و باطنی آن باشد، به‌ویژه حضور قلب و خشوع دل که روح نماز است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۱۴).

این آیه به اصل مسامحت در تربیت اشاره دارد؛ چنانکه اگر مربی ضعف متری را در به دوش گرفتن تکالیف عملاً مشاهده کند، باید در انجام آن تکلیف تجدیدنظر نموده و آسان‌گیری نماید (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۵). در ادامه آیات، خداوند سبحان از نعمت‌هایی که به پیامبر (ص) اعطاء فرموده، یاد می‌کند؛ و نمازگزاری و اخلاص در آن را برای شکرانه این خیر کثیر خواستار است «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤُتْرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (کوثر، ۱-۲). قرآن کریم در این آیات عنایت بیشتری بر تربیت اسوه و الگو و معرفی ویژگی و خصوصیات ایشان بر همه مردم دارد، تا از این طریق انسان‌ها را برای تربیت و پیروی از اسوه آماده سازد. از دیگر موارد سفارش شده به پیامبر (ص)، واجب شدن نماز شب بر ایشان است «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» (اسراء، ۷۹). این تکلیفی در غایت وسع بر پیامبر اکرم (ص) است که انجام این فریضه، رسیدن به مقام محمود را برای ایشان در برخواهد داشت؛ زیرا «عسی» از جانب خداوند حتمی و لازم است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۹۵). نکته‌ای که از این آیه استنباط می‌شود، این است که در نظام تربیتی، مربی باید علاوه بر رعایت وسع افراد در عرضه تکالیف، افراد مستعد را به چیزی «فراتر از وسع» دعوت کند تا در تلاش و پوییش به سمت آن، وسع فراتر آنان نیز پدیدار شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۸).

خداوند باریتعالی در فرهنگ‌سازی نماز در میان عرب جاهلی، بعد از معرفی پیامبر اکرم (ص) و برشمردن خصوصیات ایشان، از پیشینیان و انبیای گذشته نیز یاد می‌کند، چنانکه رو به حضرت موسی کرده و او را به حضور قلب، و پیوسته به یاد خدا بودن در نماز دعوت می‌کند «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴)، که این امر در صورت اخلاص در نماز و استمرار در آن امکان‌پذیر است. اینکه خداوند در اینجا موسی را به خواندن نماز فرمان می‌دهد، به روشنی دلالت دارد که در ادیان دیگر هم نماز وجود داشته، اگرچه ممکن است کیفیت آن با نمازی که در اسلام به آن امر شده، تفاوت داشته باشد (جعفری، بی تا، ج ۶، ص ۵۵۹). سپس اشاره به گروهی از بنی اسرائیل می‌نماید که حساب خودشان را از افراد گمراه جدا ساختند و نماز گزارندند «وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّحِينَ» (اعراف، ۱۷۰)، و همین عمل، آنها را به سوی خیر و صلاح کشاند و از مصلحان شدند. همچنین در آیه دیگری به توصیف ویژگی‌های عباد الرحمن می‌پردازد «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَ الَّذِينَ يَبْتَثُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا»، (فرقان، ۶۳-۶۴). «بیتوته» به معنای ادراک شب است- چه بخوابد یا نخوابد- و کلمه «لربهم» متعلق به کلمه «سُجَّدًا» بوده و بیانگر اخلاص آنها در نماز و عبادتشان است. دو کلمه «سُجَّدًا و قِيَامًا» جمع ساجد و قائم بوده و مراد از این بیتوته در شب در حال سجده و حال ایستاده این است که: شب را با عبادت خدا به آخر می‌رسانند، که یکی از مصادیق عبادتشان همان نماز است که افتادن به خاک و به پا ایستادن دو رکن نماز می‌باشند، و مراد از آنها کل نماز است (ابن عاشور، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۹۰) به دلیل همین عمل صالح و اخلاصشان، خداوند باری تعالی آنها را با نسبت دادنشان به خود (عباد الرحمن) الگویی عمل به همگان معرفی می‌نماید. یا سیمای علمای واقعی را ذکر می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۴۹۵) که اطاعت حق تعالی با برپا داشتن نماز یکی از ویژگی‌های آنها است «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا» (فاطر، ۲۹). خداوند گاهی ویژگی‌های برخی از اسوه‌ها را از زبان خودشان نقل می‌کند، به عنوان نمونه سخن حضرت عیسی (ع) که برگزیده الهی بود، در گهواره را بیان می‌کند که چون نماز ستون دین (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۵۵۰) و معراج مومن است (قمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶۸)، حضرت از ابتدای زندگی تا پایان عمر مأمور به نماز بوده است «وَ جَعَلَنِي مَبَارَكًا أَيَّنَّ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱). سپس به صورت یک جمع بندی از تمام افتخاراتی که در آیات دیگر پیرامون انبیاء بزرگ و صفات و حالات آنها و مواهبی که خداوند به آنها داده بود، یاد می‌کند و با ذکر پیروان راستین این پیامبران بزرگ (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۰۰)، آن مواهب را تکمیل کرده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكْيًا» (مریم، ۵۸). آنها زمانی که آیات الهی را تلاوت می‌کنند، به خاک می‌افتند و نماز می‌گزارند.

بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که خداوند با خطاب خود به پیامبر (ص)، همگان را مخاطب قرار می‌دهد و یک نظام تربیتی اصیل را به نمایش می‌گذارد تا در نهادینه کردن فرهنگ اسلامی با تأسی از این شیوه پروردگار جهانیان، ابتدا به تربیت رهبران و مبلغان پرداخته و سپس آن را در میان مردم توسعه دهند، تا به نتایج مطلوب در تربیت و معرفی اسوه دست یابند. البته باید در اسوه‌سازی توجه نمود که در درجه اول و به طور اساسی این کار در شرایط واقعی اجتماعی صورت گیرد، که خداوند کریم با اسوه قرار دادن پیامبر (ص) در میان عرب عصر نزول «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱)، به این اصل جامه عمل پوشاند. اما این بدان معنا نیست که نمی‌توان از شخصیت‌های تاریخی به عنوان اسوه یاد کرد، بلکه آنها نیز الگوی عمل هستند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۴). از این رو، یادآوری انبیای گذشته و پیروانشان بیانگر این است که در فرهنگ‌سازی‌ها باید از اشخاص شاخص گذشته که در این راستا بودند، یاد نمود، و از این طریق انسان‌ها را به پیروی از آنها ترغیب کرد.

۳-۲. اعطای بینش و اصلاح نگرش

بدیهی است که نوع نگاه انسان به رخدادها و واقعیت‌های گوناگون و طرز تلقی او از جهان اطرافش یا به عبارتی جهان‌بینی او، در رفتارهای اخلاقی وی موثر است. گاهی فردی به دلیل شرایط محیطی و یادگیری‌های غلط و تجربیات بد، از دیدگاهی نادرست به رخدادها و وقایع پیرامون خود می‌نگرد و طبعاً عملکرد او نیز- که بر همین تصورات و جمع‌بندی‌های غلط استوار گردیده- اشتباه خواهد بود. از این رو، در بسیاری مواقع اعطای بینش و اصلاح نگرش‌ها مستقیماً به تغییر رفتار و عملکرد فرد خواهد انجامید و برخی روانشناسان معتقدند که یکی از روش‌های درمانی موثر در جهت تغییر الگوهای رفتاری نامناسب و غیراخلاقی، تغییر بینش‌ها و نگرش‌های افراد به امور و جانشین کردن باورهای جدید به جای آنها است (محمد قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲-۱۶۳). قرآن به چهار طریق به بصیرت‌افزایی در مسئله نماز اشاره می‌کند.

الف) انذار و بیم

انذار مصدر باب افعال و به معنای آگاهانیدن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌دهد و مایه رنج و عذاب او می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۷). در نظام تربیتی، براساس این شیوه، مربی باید با آگاهی مناسبی که از اعمال متربی و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه سازد و ضمن توجه دادن وی به مسئولیت‌هایش، او را از ترک وظایف بترساند و از پیامدهای ناگوار خطاهایش برحذر دارد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۹). البته انذار مانند هر عامل

تریبیتی دیگر هنگامی اثربخش است که دل‌ها آمادگی پذیرش آن را داشته باشند و فرد از حیات انسانی و روحانی برخوردار باشد. همانگونه که قرآن رسالت خود را انذار چنین افرادی می‌داند و می‌فرماید: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا...» (یس، ۷۰).

شایان توجه است که انذار باید به طور مکرر و متنوع صورت پذیرد تا در عمق جان مخاطب نفوذ کند (قرائتی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲). به همین دلیل در سوره مدثر که چهارمین سوره نازل شده به ترتیب نزول است، از عاقبت بی‌نمازی هشدار می‌دهد و نتیجه آن را غرق شدن در عذاب و دوزخ الهی می‌داند «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمَ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر، ۴۳). سپس رو به سوی نمازگزاران می‌نماید و می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون، ۴-۵). اشخاصی که نه ارزشی برای نماز قائلند، و نه به اوقاتش اهمیتی می‌دهند، و نه ارکان و شرایط و آدابش را رعایت می‌کنند؛ و اصل نماز را به دست فراموشی می‌سپرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۶۰). پس پیداست که چنین شخصی اصلاً به آن ایمان ندارد، و اگر گهگاهی نماز می‌خواند، از ترس زبان مردم است؛ چنانکه قرآن به صراحت آنان را ریاکار معرفی می‌کند، چون نمازشان فقط پوسته ظاهری دارد «الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤْنَ» (ماعون، ۶)، «همانان که همواره ریا می‌کنند». البته سهو در نماز قابل جبران و بخشش است، ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، موجب مذمت و نفرین از جانب خداست. چون «ویل»- که به معنای عذاب و هلاکت است- کلمه‌ای است که برای تهدید به عذاب به کار می‌رود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۵۸۴). سپس انسان‌ها را از سختی جان‌کندن بی‌نماز آگاه می‌سازد و آنها را از چنین عقوبتی برحذر می‌دارد «كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّرَاقِي، وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ، وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ، وَالتَّقَتِ السَّقَّ بِالسَّقِ، إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ، فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى» (قیامت، ۲۶-۳۱)؛ چراکه هر انسانی از گرفتار شدن در رنج و عذاب رویگردان است. قرآن کریم علل گرفتار شدن در مصایب و سختی‌های مطرح در آیه را در این امر می‌داند که آنها نه تنها اصول دعوت و فروع آن را که نماز رکن اصلی آن است، نپذیرفتند، بلکه آن را تکذیب نموده، و از قبولش اعراض کردند. خداوند کریم در آیه دیگری ابتدا سخن از شدت مجازات روز رستاخیز به میان می‌آورد که دامن هر کسی را می‌گیرد، ولی پرهیزگاران و نمازگزاران را از آن استثناء می‌کند، چراکه مقصود اصلی از دعوت بشر به سوی توحید و انذار آنان، این است که نفوس بشر از رذایل و خرافات پاک شود، و پاک شدن نفس، به خشیت او از خدا و اقامه نماز است «وَلَا تَرِزْ وَاوَزَةَ وَرَزْرُ أُخْرَى... وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ مَنْ تَرَكَ فَإِنَّمَا يَتَرَكَ لِنَفْسِهِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر، ۱۸). در فراز آخر آیه اشاره به این دارد که تزکیه شدن شما، سودی برای خدا ندارد، بلکه به نفع خودتان است.

حق تعالی در قرآن کریم بار دیگر رو به سوی نمازگزارانی می‌کند که این بار با تبعیت از شهوات،

نماز خود را ضایع می‌کنند. به فرمایش امام صادق(ع) منظور از ضایع کردن نماز، به تأخیر انداختن آن از اوقات معین می‌باشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۱۸۳)، و به دلیل این سستی و تبعیت از شهوات، آنها را به کیفر چنین گمراهی، وعده می‌دهد «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (مریم، ۵۹). در پایان سور مکی، بعد از اینکه در سوره انعام نماز را بر همه واجب اعلام کرد، هشدار می‌دهد که از فرصت‌های خود استفاده کنید و نماز به پا دارید، چراکه قیامت فقط روز جزا و حساب است، نه روز تحصیل توشه «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ» (ابراهیم، ۳۱)، و به این ترتیب آنها را نسبت به امری که در آینده رخ می‌دهد، آگاه می‌سازد. اصولاً انسان تا احساس خطر مهمی نکند، از جا حرکت نخواهد کرد، از این رو قرآن در سیزده سال اول در مکه برای نهادینه کردن فرهنگ اسلام و بخصوص نماز، بیشتر بر این اصل تکیه نموده است، حتی بیشتر از تبشیر. همچنین در هر دوره‌ای با شدت و قاطعیت، انسان‌ها را از عواقب کارهایشان و ترک نمازهایشان آگاه ساخته و انذار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۹).

ب) تبشیر و تشویق

تربیت مستلزم تن دادن به تکالیف بوده و این امر فی نفسه زایل‌کننده رغبت است. این تلخی را باید به روشی کاهش داد تا قبول تکالیف میسرتر شود. یکی از این روش‌ها تبشیر و تشویق است. تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف، به فرد ارزانی خواهد شد و مظهري از فضل و رحمت است. بشارت در وجود آدمی امید می‌آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول زحمت می‌گرداند (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۹). خداوند در مراحل اولیه شکل‌گیری اسلام، برای افزایش بصیرت آنها و برانگیختن انگیزه‌شان در جهت قبول این آیین نوپا، و نیز متناسب با سطح درک و فهم مخاطبان، بیشتر از تبشیر و انذار استفاده نموده و با این روش سبب اصلاح نگرش آنها در حیطه عبادات شده است.

خداوند در سوره اعلی، یکی از شروط فلاح و رستگاری را نماز گزاردن بشارت می‌دهد و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی، ۱۵). با قرار دادن کلمه «قد» بر سر فعل ماضی، قطعیت و حتمیت فعل و بشارت خود را می‌رساند. چون انسان ذاتاً دنبال فلاح و رستگاری، یعنی رها شدن از مشکلات و رنج‌ها و تلخی‌ها است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۷۶)، به فطرت او پاسخ داده و راه رستگاری را به او بشارت می‌دهد. از طرف دیگر، برخی اوقات نماز و اهمیت فوق‌العاده آن را که از بین برنده سینات است، معرفی می‌کند «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَرُفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

السَّيِّئَاتِ ذَلِكِ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (هود، ۱۱۴). مراد از «طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ»، اشاره به سه نماز صبح، مغرب و عشاء است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۷۵) و چون این اوقات نماز به دلیل خستگی و یا خواب ممکن است در معرض فراموشی قرار گیرد، بر آنها تاکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶۶) و چون عبارت «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»، بلافاصله بعد از دستور نماز ذکر شده، پس، یکی از مصداق‌های روشن و قطعی آن، نمازهای روزانه بوده که مورد تاکید قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶۷). سپس به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲)، که نماز- به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن، جدا از نسک ذکر شده است- (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۹۶) و نسک- به معنای مطلق عبادت است که برای تقرب به خدا انجام می‌گیرد- (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۴۳) این آیه در ابتدا خطاب به پیامبر (ص) و سپس خطاب به همه انسان‌ها است که اگر در نماز و عبادات خود با اخلاص باشند و آن را فقط برای رضای الهی انجام دهند، موجبات تقرب خود را به خداوند فراهم می‌کنند و چه بشارتی بالاتر از بشارت تقرب به خداوند.

بشارت‌های خداوند برای فرهنگ‌سازی نماز استمرار دارد تا در هر دوره و زمانی دل‌های مستعد را برای اقامه نماز پرورش دهد و مسیر عبودیت را به آنها بنمایاند. چنانکه در سوره لقمان دوباره نمازگزاران را بشارت می‌دهد و آنها را در زمره نیکوکاران معرفی می‌کند (لقمان، ۳-۴) و به آنان وعده خیر خالص و پایدار و جاودانه می‌دهد «... وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى ...» (شوری، ۳۶). در پایان نیز با ذکر فواید و تاثیرات نماز، بینش و بصیرت انسان را به این دستور الهی افزایش داده و اشتیاق او را برای پیمودن مسیر کمال و رستگاری فراهم می‌آورد «أَنْتَ لِمَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت، ۴۵). چون طبیعت نماز از آنجا که اولاً انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۴)، و ثانیاً انسان را وارسته می‌کند و این وارستگی همان ظهور عقل عملی است که با او از هر زشتی اجتناب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۵۲)، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است و بدون شك در قلب و روح انسان جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود.

تبشیر یکی از روش‌های موثر در فرهنگ‌سازی است؛ چراکه موجب رغبت و تمایل به انجام عمل می‌گردد، به ویژه اگر مخاطبان، کودک و نوجوانان باشند. از این‌رو در قالب تبشیر و تشویق به چیزهای دیگر باید سعی نمود، تا آثار و فواید عمل مورد نظر را نیز بیان کرد، چراکه ذکر آنها نیز به عنوان

محرك‌های موثری برای انجام عمل مورد نظر است.

ج) تکریم شخصیت

یکی از مهم‌ترین و در عین حال موثرترین روش‌های تربیتی، اعطای شخصیت به فرد و یادآوری شرافت و کرامت ذاتی به اوست، چون خودآگاهی و توجه به اینکه انسان موجودی برتر است و گوهر ارزشمند و بی‌مانندی در خود دارد، او را- به دلیل حبّ ذات- به حراست و پاسداری از کرامت ذاتی خویش فرامی‌خواند و به سوی ارزش‌های متعالی اخلاقی سوق می‌دهد (محمدقاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

خداوند علاوه بر اینکه انسان را مفتخر به آفرینشی کریم و گرامی نموده «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰)، از این اصل در مسیر فرهنگ‌سازی نماز چشم‌پوشی نکرده و آن را به کار بسته است. چنانکه در سوره فرقان بعد از معرفی خود به عنوان خدای رحمان (فرقان، ۶۱-۶۲)، برخی انسان‌ها را نیز با عنوان عبادالرحمن به خود منتسب ساخته است که این نوع اضافه، اضافه تشریفی بوده و به معنای بنده خاص خداست که به وظایف بندگی‌اش عمل می‌کند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۶۵۱) و سپس با شمردن ویژگی‌های آنها- که در رأس آن نمازگزار بودنشان است- (فرقان، ۶۳)، به گرامیداشت و تکریم آنان می‌پردازد؛ زیرا انتساب به بی‌نهایت، انسان را بالا می‌برد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۷۹).

خداوند گاهی برای تکریم انسان به تمجید و تجلیل از عمل او می‌پردازد و قرآن را تنها مایه هدایت و بشارت افرادی می‌داند که نمازگزار هستند «هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...» (نمل، ۳) و گاهی حتی از کیفیت عمل آنها نیز تجلیل می‌کند و فلاح را در سایه آن می‌داند «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مومنون، ۲-۳)، اینان کسانی هستند که هنگام قیام برای اداء فرائض، با خشوع قلب به‌ساحت پروردگار توجه نموده و خاطرشان از هرچه غیرخدا است، خالی است؛ زیرا آنان با کمال فقر و حاجت، خود را برابر عظمت کبریائی می‌بینند که حضور قلب هنگام اداء فریضه، مرتبه‌ای از خشوع قلب و اظهار مذلت و خواری به پیشگاه کبریائی است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳۵).

گاهی نیز با خطابات خود آنها را گرامی می‌دارد، چنانکه در آیات فوق آنان را با واژه «مومنون» مخاطب قرار می‌دهد و در کمال احترام و محبت و با لحنی آرام و متین از آنان یاد می‌کند. گاه نیز خداوند یادآوری می‌کند که در فطرت، یعنی در آفرینش و سرشت انسان، نوعی استعداد فطری وجود دارد که می‌تواند شگفتی‌های مخلوقات خدا را درک، و از طریق آنها بر وجود و یگانگی خدا استدلال

کند (نجاتی، ۱۳۸۸، ص ۶۶) و اینچنین او را بر سایر موجودات برتری می‌دهد و سپس نماز گزاردن را همسو با فطرت او معرفی می‌کند و آن را نشانه دستیابی به حقیقت که مصداق واقعی آن اسلام است، می‌پندارد «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (روم، ۳۰-۳۱) و گاهی نیز خداوند باریتعالی چنان حقیقت وجودی بشر را تعالی می‌بخشد که صمیمانه و با زبان پدری حکیم با او سخن می‌گوید «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» (لقمان، ۱۷). خداوند با تکریم نمازگزاران، درصدد بصیرت‌افزایی انسان‌ها بوده تا با این خودشناسی، هدف از خلقت انسان را که دستیابی به کمالات است، فراهم آورد. از این‌رو در فرهنگ‌سازی‌ها باید توجه نمود که با کمال محبت و احترام با مخاطب برخورد کرد و در ضمن بزرگداشت شخصیت و فطرت انسان‌ها، باید از عمل عاملان نیز تجلیل نمود.

د) قصه‌گویی و داستان‌سرایی

قصه‌گویی و داستان‌سرایی به دلیل جذابیت و تمایل قلبی به شنیدن آن، و همچنین قابل درک و فهم بودن برای همه، همواره مورد توجه انسان‌های همه اعصار قرار گرفته و یکی از موثرترین روش‌ها در فرهنگ‌سازی و تربیت انسان‌ها است. حال اگر داستان و قصه، گزارشی از واقعیت‌ها باشد، تاثیر آن بیشتر می‌شود؛ زیرا با شنیدن گزاره‌ها و قصه‌ها، حالتی کنجکاوانه به انسان دست می‌دهد تا به علل و اسباب وقوع حوادث تلخ و شیرین گذشتگان پی ببرد و نیز با تطبیق آن با روش و رفتار خود، پند گرفته، آموزش یابد. پس، اگر ارشاد و پندآموزی همراه با شواهد زنده و واقعی باشد، اثری نافذتر و موثرتر خواهد گذاشت (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

نمونه آن در فرهنگ‌سازی نماز است که ابتدا داستان نمازگزار پیامبر اکرم(ص) را نقل می‌کند «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق، ۱۰)، تا با این بیان انسان‌ها را از صفات افراد برگزیده خویش آگاه سازد. سپس، برای آگاه ساختن آنها به ذکر مطالبی می‌پردازد که مورد قبول مشرکین بوده و آن اشاره به پیامبران گذشته و پیروان آنهاست که در توصیف یاران‌شان از واژه «أقاموا الصلاة» استفاده می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ» (اعراف، ۱۷۰)؛ یا از زبان خود پیامبران نقل می‌کند که آنها مأمور به برپا داشتن نماز شده بودند «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱)، و از این طریق می‌خواهد، مشرکان گمان نکنند که برپا داشتن نماز چیز نوظهوری است و پیامبر(ص) آن را آورده، بلکه می‌خواهد یادآوری کند که این فرهنگ نماز در انبیای گذشته و پیروان آنها نیز وجود داشت. به همین دلیل با نقل داستان‌هایی از گذشتگان، به مشرکین تذکر می‌دهد. این قصه‌گویی از پیشینیان را در آیات دیگری نیز پیش می‌گیرد تا با ذکر مستمر آن، مشرکین را به

حتمیت و قطعیت برساند «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم، ۵۴-۵۵) و به یکی از وظایف پدران که سفارش به نماز برای اهل خانه است، می‌پردازد. خدای سبحان به هر فرد مسلمان و مؤمنی دستور می‌دهد تا خود و خانواده‌اش را با تقوای الهی و هدایت قرآنی از عذاب دوزخی حفظ کند که آتش‌گیره یا آتش‌زنه آن انسان و سنگ است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم، ۶)، «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ... خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم، ۵۸)، «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (یونس، ۸۷). سپس به طور واضح، مسئله تاثیرگذاری نماز در مقابل دشمنان را با نقل گفتگوی حضرت شعیب و قومش مطرح می‌کند، و می‌فرماید: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ...» (هود، ۸۷). علت اینکه این حرف را به شعیب می‌زدند، آن بود که شعیب بسیار نماز می‌خواند و از این رو بارزترین نمود آیین شعیب نمازگزاری ایشان بود (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۰۸). همچنین استفاده از واژه نماز به جای خدا یا دین، بیانگر نهایت اهمیت نماز در دین است (ابن عاشور، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۳۱۳) و یادآور می‌شود که نماز به دلیل ویژگی بازدارندگی، شما را از منکرات، شرک، بت پرستی و تقلید کورکورانه نیاکان و از کم‌فروشی و انواع تقلب باز می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۰۷). همچنین در آیه دیگری با ذکر توصیه‌های لقمان به فرزندش بیان می‌کند که «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان، ۱۷). فرزندان خود را به نماز امر کنید؛ زیرا بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می‌شود (نهج البلاغه، نامه ۲۷). اینچنین با دستور به نماز، یک برنامه تربیتی سالم و مداوم را برای سعادت فرزندان خویش فراهم نمایید و در تربیت دینی آنها صبر داشته باشید.

با نگرش در آیات فوق می‌توان فهمید که قرآن با بیان این داستان‌ها سعی در اعطای بینش و نهادینه کردن اصل نماز و تاثیراتی که باید در زندگی مردم داشته باشد، دارد. همچنین با بیان داستان گذشتگان می‌خواهد وجدان مردم عصر نزول را بیدار کند که در گذشته چنین دستوراتی بود و آنها نیز عمل می‌کردند.

۳-۳. تدریج و تدرج

تربیت و ظهور و بروز عینی استعدادهای بالقوه انسان محتاج گذشت زمان است و جز با حرکتی تدریجی نمی‌توان انتظار نیل به مقصد و مقصود را داشت؛ زیرا رشد و تحول روحی انسان و نیل به کمالات والای انسانی و اخلاقی جز در بستری مناسب و با روند تدریجی و با رعایت توانایی‌ها و قدرت افراد به سامان نمی‌رسد (محمد قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). «شدیدترین تغییرات اگر با زمینه‌چینی قبلی و

به طور تدریجی پیاده شود، آمادگی پذیرش افراد را بالا می‌برد» (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲). شاید یکی از حکمت‌های نزول تدریجی آیات قرآن، رعایت همین اصل مهم تربیتی بوده است؛ زیرا اگر قرآن به صورت یکپارچه و دفعی بر مردم نازل می‌شد و قوانین آن یکباره بر مردمی که قرن‌ها برخلاف جهت آن قوانین زندگی کرده‌اند، ابلاغ می‌شد، پذیرش آن احکام و قوانین برای آنها سخت و دشوار، بلکه ناممکن بود. اما نزول تدریجی آیات و اصلاح گام‌به‌گام آنها، زمینه یک تحول بزرگ اجتماعی و تربیتی را در میان مردمی که سال‌ها با فرهنگ جاهلی خو گرفته بودند، فراهم آورد.

قرآن کریم در فرهنگ‌سازی نماز این اصل را پیشه خود ساخته و در طول بیست و سه سال آن را به صورت تدریجی و مرحله‌ای پیش برده است. قرآن از همان آغاز نزول با سوره علق از نماز یاد کرده «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق، ۱۰) و تاکید بر این موضوع را در سوره‌های بسیاری ادامه داده و تا آخرین سوره‌های نازل شده در مکه که به مباحث نماز در آن اشاره شده (یعنی روم و عنکبوت)، پرداخته است و ادامه فرهنگ‌سازی را در مدینه پی گرفته و تا آخرین سوره نازل شده، یعنی مائده و توبه نیز بر مسأله نماز تاکید نموده است. در سوره مائده (۶) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ...» و در سوره توبه (۱۸) «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ...» و... به موضوع نماز اشاره‌های جالبی دارد.

۳-۴. زمینه‌سازی

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت‌ها می‌روید و از آنها ارتزاق می‌کند. از این‌رو شرایط و موقعیت‌های مختلف، حامل نیروهای بالقوه متفاوتی در شکل‌دهی حالات و اعمال انسان هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و شرایط، به‌مثابه عامل «تسهیل‌کننده» ای است که امکان شکل‌گیری‌ها و شکل‌دهی‌های مطلوب را بالا می‌برد.

روش زمینه‌سازی، با توجه به دو وجهی که دارد، که یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد، از روش‌های مبنایی و اساسی محسوب می‌شود. طبق این روش، مربی باید با نگاهی بلند، پیشاپیش، موقعیت‌هایی را که متربی در آن قرار خواهد گرفت، در نظر آورد و آثار موقعیت‌های مزبور را بر روی او مورد ارزیابی قرار دهد و براساس این ارزیابی، به طور مقتضی در شرایط اولیه دست ببرد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۵، ۱۳۹).

بررسی سیر نزولی آیات قرآن بیانگر آن است که قرآن در ابتدا کلیات نماز را از مردم خواسته، سپس

بعد از فراهم کردن زمینه پذیرش اصل نماز، به ذکر جزئیات آن پرداخته است. عبارات کلی سور آغازین نزول قرآن بیانگر این مطلب است «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق، ۱۰)، «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (مزل، ۲۰؛ مدثر، ۴۳؛ کوثر، ۲ و...)... سپس در پنجاهمین سوره (سوره اسراء) جزئیات زمان اقامه نماز معرفی می‌شود «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» (اسراء، ۷۸) و بعد از آن با نقل داستان حضرت موسی و هارون، مبنی بر اینکه خانه‌های خود را روبروی هم بسازند «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (یونس، ۸۷)؛ زیرا قبله در اصل به معنی «حالت تقابل» می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۷۱)، به معماری خانه‌ها برای برپایی نماز جماعت می‌پردازد. یا حداقل دستور تمکن از نماز جماعت را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۶۸) و بدین سان زمینه را برای عجین کردن فرهنگ نماز با مردم به صورت گام به گام فراهم می‌کند. سپس وجه دوم این روش را همگام با وجه اول در نظر می‌گیرد و روی نماز صبح، مغرب و عشاء (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۰۱) که به دلیل خستگی و یا خواب ممکن است در معرض فراموشی قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶۶) و به تدریج موجب ترک آنها گردد، تاکید می‌کند «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ» (هود، ۱۱۴) و در مرحله آخر به جنبه بالفعل موقعیت‌ها و تاثیرگذاری آنها توجه کرده و ماجرای مهاجرت «هاجر» همسر حضرت ابراهیم (ع) را برای برپایی نماز نقل می‌کند «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۳۷) و به صورت غیرمستقیم به همه انسان‌ها یاد می‌دهد که شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی، مبدأ تاثیرگذاری‌های متفاوتی بر انسان است. چه بسا روابط فرد با موقعیت‌های مکانی متفاوت، دچار تغییر شود و در این صورت در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاصی قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

بررسی آیات فوق بیانگر این نکته است که در مهندسی فرهنگ نماز، ابتدا باید به ذکر کلیات و اصل نماز پرداخته شود و سپس بعد از تقبل اصل آن باید زمینه را متناسب با شرایط برای ذکر جزئیات نماز (اوقات برپایی نماز) و محوریت آن در زندگی (حتی در نحوه خانه‌سازی) و کارهای انسان (انتخاب محل زندگی نزدیک به مسجد یا در منطقه اهل ایمان) فراهم کرد. به این ترتیب زمینه را برای عجین کردن فرهنگ نماز در همه ابعاد زندگی انسان‌ها میسر کرد.

۳-۵. فریضه‌سازی

این روش از اختصاصات شرایع الهی است که پاره‌ای از دستورالعمل‌های اساسی را که به کار بستن

آنها جهت تربیت انسان ضروری است، به عنوان «فریضه» قرار می‌دهد. فریضه یعنی حکمی که انجام آن واجب است و به هیچ وجه تعطیل بردار نیست. فریضه‌سازی در شریعت، حدود و موارد معینی دارد؛ اما آنچه که در مورد این روش قابل توجه است، جوهره آن، یعنی نفس مسأله فریضه‌سازی و اهمیت آن در ایجاد تغییر و تحول در انسان است. پس، هرگاه دستورالعمل‌های اساسی و مهم اخلاقی و تربیتی برای خود یا برای دیگری به عنوان فریضه قرار داده شود، باید دو خصیصه «الزامی بودن» و «رعایت شرایط» در نظر گرفته شود تا آثار مداومت و محافظت بر آنها نمایان گردد، و شاکله مطلوب و مدنظر در درون فرد پدیدار و پایدار شود (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۲۹).

قرآن کریم در فریضه‌سازی نماز، ابتدا از پیامبر (ص) که به عنوان رهبر یک جامعه تلقی می‌شود، شروع می‌کند و با آوردن فعل امر «قم» (مزمّل، ۲)، «صلّ» (کوثر، ۲)، «اقم» (طه، ۱۴)، «تَهَجّد» (اسراء، ۷۹) که الزام را می‌رساند، او را مکلف به اقامه نماز می‌کند. هرچند در هر یک از خطابات خود به موارد خاصی از نماز اشاره دارد؛ مثلاً در سوره «مزمّل» منظور از قیام اللیل را نماز شب (ابن عاشور، ۱۳۷۶، ج ۲۹، ص ۲۴۰) معرفی کرده و در «کوثر» و «طه» با آوردن واژه‌های «لِرَبِّكَ» و «لِذِكْرِي»، به اخلاص در نماز پرداخته و در سوره اسراء با تاکید دوباره، فریضه بودن نماز شب بر پیامبر (ص) را بیان می‌کند (ابن عاشور، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۱۴۶). اما نکته قابل توجه این است که در هر سه مورد، اصل نماز را بر پیامبر (ص) واجب می‌گرداند و ایشان را در برابر آن مکلف می‌داند. فریضه بودن نماز تنها شامل پیامبر (ص) نیست، بلکه خداوند در آیات دیگری با ذکر داستان‌هایی از انبیای گذشته، واجب بودن نماز بر آنها را هم بیان می‌کند. از جمله این پیامبران که به صراحت از ایشان نقل می‌کند، حضرت عیسی (ع) است «وَ جَعَلْنِي مُبَارِكًا أَيَّنَّ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱) و سپس نام سایر انبیاء را همراه پیروان راستینشان یادآوری کرده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِيًّا» (مریم، ۵۸). همچنین نقل می‌کند که آنان علاوه بر خود، مکلف به فریضه‌سازی نماز در خانواده‌های خود نیز بودند «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم، ۵۵). خداوند تبارک و تعالی پس از اثبات نمازگزاران انبیای گذشته، سپس رو به سوی پیامبر اکرم (ص) نموده و ایشان را مأمور به واجب نمودن نماز بر اهل و خانواده خود و پیروان دینش (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۲۴) می‌نماید «وَ أَمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه، ۱۳۲) و ایشان را در دعوت خود به صبر و بردباری فرامی‌خواند و پس از گذراندن این مراحل، اقامه نماز را در اوقات خاص آن بر همگان واجب کرده و می‌فرماید: «وَ أَنْ أَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوهُ وَ هُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انعام، ۷۲). البته لازم به ذکر است که قبل از این آیه، در سوره اسراء اوقات نماز را بیان فرموده و در این آیه می‌خواهد که نماز را در زمان‌های مشخص آن به‌جا بیاورند. بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که هادی و مربی آنچه را که به دیگران می‌گوید، خود نیز باید عامل به آنها باشد، چراکه در غیر این صورت مردم به سخنان او توجهی نخواهند داشت (باب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳). سپس به تبلیغ و فریضه‌سازی آن در میان خویشان و نزدیکان خود بپردازد و چنانکه در بین آنها تثبیت شد، در مرحله آخر، آن را در بین عموم مردم گسترش داده و عمل به آن را بر همه آنها واجب گرداند. بنابراین، روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و به جامعه ایمانی سرایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۳).

۳-۶. مداومت و محافظت

یکی دیگر از روش‌هایی که در مهندسی فرهنگ نماز نقش بسزایی دارد؛ دعوت به مداومت و محافظت بر عمل است. مداومت که ناظر به کمیت عمل است، استمرار آن را نشان می‌دهد و محافظت بر عمل، ناظر به کیفیت آن است و مراقبت و مراعات شرایط و ضوابط آن را گوشزد می‌کند (شرایط و ضوابط عمل، اعم از ظاهری و باطنی است)، این دو در کنار هم، تأمین‌کننده تاثیر و تأثیر مستمر ظاهر و باطن است؛ زیرا مداومت بر عمل، اعضا و جوارح بدن (یعنی ظاهر) را پیوسته به‌کار می‌برد و مراقبت، هوشیاری و توجه (یعنی جنبه باطنی) را نسبت به ضوابط باطنی و ظاهری فراهم می‌آورد (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۶). قرآن کریم بر این اصل در روند فرهنگ‌سازی خود بسیار تأکید دارد؛ زیرا ارتباط با خدا از طریق نماز، هنگامی انسان را استوار می‌کند که دو خصیصه مذکور را دارا باشد، در غیر این صورت اگر بدون مداومت باشد، کفر را در پی دارد «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹۸) و اگر بدون محافظت باشد، «وویل» خدا را به دنبال می‌آورد «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون، ۴-۵). به دلیل اهمیت این بحث، گاهی در آیات دیگر، آن را به صورت غیر مستقیم مورد تأکید قرار می‌دهد و امر به نماز را با فعل مضارع قرین می‌سازد که فعل مضارع دال بر استمرار و مداومت در عمل است. مثلاً آیات «الَّذِينَ يَبْتِغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا» (فرقان، ۶۴)، «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (نمل، ۳) نمونه‌هایی هستند که به صورت غیر مستقیم به استمرار و تکرار در برپایی نماز تأکید دارد. سپس به دلیل اهمیت این اصل، به صورت مستقیم آن را مورد تأکید قرار می‌دهد و بر محافظت و مراعات در اوقات نماز اصرار دارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۸۴) و می‌فرماید: «وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (انعام، ۹۲) و یا به صورت کنایه اشاره می‌کند «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ

مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲)، «مَحْيَا و مَمَات» کنایه از ثبات و استمرار می‌باشد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۵۳) و در پایان به هنگام بحث از نوسان‌پذیری انسان که در مواجهه با ناگواری، نالان و درمانده و در مواجهه با گوارایی، خودخواه و انحصارگر می‌شود، گروهی استثناء شده‌اند و آنان نمازگزاران هستند، اما نمازگزارانی که «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج، ۲۳-۳۴) در برپایی نماز خود مداوم و بر ادای آن در اوقات معین محافظ هستند؛ زیرا مداومت بدون محافظت، سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت اصلاً سازنده نیست؛ هرچند عمل متعالی باشد، زایل خواهد شد.

نکته دیگر که شایان توجه است اینکه اصل فریضه‌سازی چنان که ذکر شد نیز مستلزم مداومت و محافظت بر عمل است، و در صورتی عمل فریضی مورد قبول قرار می‌گیرد که اولاً به صورت پیوسته و مستمر در زمان مشخص انجام گیرد و ثانیاً مطابق با آداب و شرایط ویژه‌اش ادا می‌گردد. بنابراین، فریضه ساختن عملی خودبه‌خود استمرار و محافظت از عمل را نیز در پی خواهد داشت. لذا، دلیل این همه تأکید این است که اصولاً هر کار خیری آنگاه در انسان اثر مثبت می‌گذارد که تداوم داشته باشد، و در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۲۱۶). محبوب‌ترین اعمال نزد خدا چیزی است که مداومت داشته باشد، هرچند کم باشد.

لازم به ذکر است که منظور از مداومت این نیست که همیشه در حال نماز باشند، بلکه، منظور این است که در اوقات معین نماز را به‌پا دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۳۰). همچنین آنگاه مورد قبول حق تعالی قرار می‌گیرد که بر آن محافظت شود؛ یعنی در اوقات معین و متناسب با ضوابط و شرایط مقرر از جانب شارع بزرگ اسلام انجام پذیرد. اصل استمرار و محافظت که در زیر سایه اصل تدرج معنی پیدا می‌کند، یعنی تحقق آن به صورت تدریجی امکان‌پذیر است، یکی از اصول مهم در نهادینه کردن عمل است. از این‌رو، در فرهنگ‌سازی هر عملی باید انجام آن به صورت پیوسته و مکرر انجام پذیرد و مقید به ضوابط و شرایطی گردد.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین شعائر فرهنگ اسلامی، نماز و اقامه آن در جامعه است که در صورت عمل به آن طبق فرامین الهی موجب سالم‌سازی فرد و بالتبع سلامت اجتماع می‌شود. قرآن کریم برای نهادینه کردن فرهنگ نماز در یک جامعه مشرک که سرشار از باورهای غلط اعتقادی و اخلاقی و... بود؛ به صورت

گام به گام و مرحله‌ای پیش رفت که امروزه می‌توان با تأسی از شیوه‌های خداوند رحمان به گسترش فرهنگ نماز در جامعه پرداخت. روش‌های قرآن برای مهندسی فرهنگ نماز براساس ترتیب نزول آیات بدین شرح است؛ که ابتدا به اسوه‌مداری و معرفی اسوه می‌پردازد، سپس با بصیرت‌بخشی به اصلاح نگرش آنها می‌پردازد و در گام‌های بعدی، به فریضه‌سازی، زمینه‌سازی، تدریج و تدرج و استمرار و محافظت بر عمل می‌پردازد. البته این روش‌ها به صورت دورانی و چرخشی در موقعیت‌های مناسب با هر روشی مطرح گردیده است، به طوری که از اولین سوری که بحث نماز در آنها قرار دارد، تا آخرین سوره‌های نازل در مکه، این روش‌ها پیوسته به صورت‌های گوناگون (چنانکه در بررسی آیات مشهود بود)، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- منابع -

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۷۶). تفسیر التحرير و التنوير. بيروت: مؤسسة التاريخ، ج ۱۹، ۱۱، ۲۹، ۱۴. بابازاده، علی اکبر (۱۳۸۲). شیوه‌های تعلیم و تبلیغ. قم: دانش و ادب.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه، ج ۱.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). همگام با وحی، تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول. قم: تمهید، ج ۱.
- بهران، حسین (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی (ع). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۳۰-۱۳۱.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص). تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
- پیرومند، علیرضا (۱۳۸۹). مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی. قم: دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
- جعفری، یعقوب (بی تا). تفسیر کوثر. قم: هجرت، ج ۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). سیره رسول اکرم (ص) در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). قم: اسراء، پنجم، ج ۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). قم: اسراء، هشتم، ج ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم. قم: اسراء، چاپ ششم، ج ۶.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: کتابفروشی لطفی، ج ۱۱.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). اصول بهداشت روانی (بررسی متمدنانه اصول بهداشت روانی، روان‌درمانی و برنامه‌ریزی در مکتب اسلام). مشهد: به‌نشر، چاپ ششم.
- حسینی پور سی سخت، نیکنام (۱۳۹۰). فرهنگ، فعالیت فرهنگی و صنایع فرهنگی. تهران: زیتون سبز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دوم، ج ۱۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۱۰، ۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. جمعی از مترجمین. تهران: فراهانی، ج ۱۵، ۸.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۷.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ج ۸-۹.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ج ۲.
- عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ و اطلاعات عمومی. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ج ۳.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: الصدر، چاپ دوم، ج ۲.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ج ۶-۷، ۲، ۴.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۹). قرآن و تبلیغ. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ هشتم.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق). سفینه البحار. قم: اسوه، ج ۲.

مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الانمه الاطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۶۸.

محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۹). روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷). قصه در قرآن. قم: تمهید.

معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی متوسط. تهران: امیرکبیر، چاپ ششم، ج ۲.

مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب، ج ۳.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۳، ۲۷، ۹-۷، ۱۶، ۲۵.

نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۸). قرآن و روانشناسی. ترجمه عباس عرب. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ هشتم.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم، ج ۲۰.